

## رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با نگرانی‌های همدلانه، ارزش‌های نوعدوستانه و رفتارهای یاری رسان در بین مردم شهر اصفهان

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۴/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۲/۱۲

محمدعلی نادى<sup>۱</sup>

ایلناز سجادیان<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش تعیین ویژگی‌های شخصیتی با نگرانی‌های همدلانه، ارزش‌های نوعدوستانه و رفتارهای یاری‌رسان در بین مردم شهر اصفهان بوده است.

**روش:** از کلیه ساکنان شهر اصفهان ۴۰۰ نفر (۱۲۴ نفر مرد و ۲۷۶ نفر زن) به صورت نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه ویژگی‌های شخصیت بو و میتزفریس (۲۰۰۷)، نگرانی‌های همدلانه دیویس (۱۹۹۴)، رفتارهای یاری رسان اسمیت (۲۰۰۳)، ارزش‌های نوعدوستانه نیکل (۱۹۸۸) و وب و همکاران (۲۰۰۰) بودند. برای تحلیل یافته‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادله ساختاری استفاده شد.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد که وظیفه‌شناسی و خوشایندی با نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نوعدوستانه دارای رابطه مثبت و معنادار و پایداری هیجانی دارای رابطه منفی و معنادار بوده‌اند. همچنین برون‌نگرایی دارای رابطه مثبت با رفتار یاری رسان غیررسمی به افراد آشنا، خوشایندی دارای رابطه مثبت با هر سه رفتار یاری رسان و پایداری هیجانی دارای رابطه منفی و معکوس با رفتار یاری رسان غیررسمی به افراد آشنا بود. ارزش‌های نوعدوستانه نیز دارای رابطه مثبت با نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نوعدوستانه و نگرانی‌های همدلانه نیز دارای رابطه مثبت و معنادار با هر سه رفتار یاری رسان بودند. همچنین ویژگی‌های وظیفه‌شناسی، خوشایندی و پایداری هیجانی بواسطه نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نوعدوستانه بر رفتارهای یاری رسان تاثیر گذار هستند.

**واژه‌های کلیدی:** ارزش‌های نوعدوستانه، رفتارهای یاری رسان، نگرانی‌های همدلانه، ویژگی‌های شخصیتی.

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، mnadi@khuif.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار گروه روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان

## The relationship of personality traits with empathic concerns, altruistic values and helping behavior

Nadim M. A.  
Sajadian, I.

### Abstract

**Introduction:** The main purpose of the research was investigate the relationship of personality traits with empathic concerns, altruistic values and helping behavior among people in Isfahan city.

**Method:** 400 Residents of Isfahan from different parts of the city were selected by multi stage sampling. Research instruments were 4 questionnaires including personality traits with 40 items, empathic concerns with 7 items, altruism values with 4 items and helping behavior with 15 items. Pearson's correlation coefficient and Structural Equation Modeling (SEM) was used to analyze data.

**Results:** Results of the study revealed a significant positive correlation between conscientiousness, agreeableness with empathic concerns, altruistic values and a significant negative correlation with emotional stability. Also There was a significant positive correlation between extraversion with informal helping to close others, agreeableness with formal helping, informal helping to close others and distant others. Emotional stability had a significant negative correlation with informal helping to close others. There were a significant positive correlation between altruistic values with empathic concerns and both of them with all helping behaviors. Also, conscientiousness, agreeableness and emotional stability traits by altruistic values and empathic concerns affect helping behaviors.

**Keywords:** Personality traits, Altruism values, Empathic concern, Helping behaviors.

## مقدمه

روانشناسی اجتماعی و نظریه‌های شخصیت حاکی از آن هستند که درک انسان از رفتار مطلوب اجتماعی با بررسی تأثیر متقابل انگیزه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی افزایش خواهد یافت. در طول بیست سال گذشته، تحولات بزرگی در علائق مربوط به مفاهیم شخصیت و انگیزش در حیطه روانشناسی اجتماعی و شخصیت به وقوع پیوسته است (لیتال<sup>۱</sup>، ۱۹۸۳؛ باریو، آلوچا و گارسیا، ۲۰۰۴). دانشمندان به دنبال رشد و توسعه مدل‌های مفهومی جهت اثبات ارتباط بین انگیزه‌ها، ویژگی‌ها و رفتارها هستند. ویژگی‌ها و انگیزه‌ها را می‌توان به عنوان مظهر سطوح متفاوت عملکردهای شخصیتی قلمداد کرد (مک آدامز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴؛ مک کلند<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵). مک کری و کاستا<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) بیان داشته‌اند که ویژگی‌ها، الگوهای پایدار افکار، احساسات و اعمال می‌باشند. ویژگی‌ها به طور سلسله مراتبی از ویژگی‌های محدود به نامحدود سازمان‌دهی می‌شوند. در سطح نامحدود و گسترده پژوهشگران پنج ویژگی مشترک خوشایندی، برونگرایی، گشودگی، روان رنجورخویی و وظیفه‌شناسی را شناسایی کرده‌اند. انگیزه‌ها منعکس کننده تمایل به کوشش برای دسته‌ای از محرک‌های کمی است که به شدت با عواطف درآمیخته است. چندین طبقه از انگیزه‌ها در ادبیات پژوهشی مربوط به رفتارهای داوطلبانه شناسایی شده‌اند (کلاری و همکاران<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸؛ اکان، بار و هرزوغ<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸). گرچه، ارتباط بین ویژگی‌ها و رفتارهای اجتماعی به نسبت اهمیت و بزرگی مورد توجه واقع نشده است (نوک، کینگستون و هولیان، ۲۰۰۶؛ بم و فاندنر<sup>۷</sup>، ۱۹۷۸؛ کنریک<sup>۸</sup> و فاندنر، ۱۹۸۸). این وضعیت در مورد ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار داوطلبانه نیز مصداق دارد (اموتو و اشنايدر<sup>۹</sup>، ۱۹۹۵).

تلویحات و توضیحات چندی برای روابط معنادار متضاد، ناپایدار و نسبتاً اندک مطرح شده است (کارلو، نایت، آیزنبرگ و روتنبرگ<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۱؛ آیزنبرگ، ۱۹۸۶؛ کنریک و فاندنر، ۱۹۸۸؛ نایت، جانسون<sup>۱۱</sup>، کارلو و آیزنبرگ، ۱۹۹۴). اول آنکه، پژوهش‌ها ممکن است بر روی ویژگی‌هایی که به صورت مفهومی و انتزاعی بیشتر به رفتار اجتماعی خاص مرتبط بوده، تأکید نکرده باشند. دوم اینکه، امکان دارد ارتباط بین ویژگی‌ها و رفتارهای اجتماعی به وسیله انگیزه‌ها تحت تأثیر قرار بگیرد. سوم، ویژگی‌ها ممکن است با دیگر ویژگی‌ها تعامل برقرار کرده و به طور مشترک انگیزه‌ها را تحت تأثیر قرار دهند به طوری که به نوبت علت رفتارهای اجتماعی و در مجاورت با آنها قرار گیرند. چهارم،

<sup>1</sup> Little, B. R.

<sup>2</sup> McAdams, D. P.

<sup>3</sup> McClelland, D. L.

<sup>4</sup> McCrae, R. R., & Costa, P. T.

<sup>5</sup> Clary et al

<sup>6</sup> Okun, M. A., Barr, A., & Herzog, A. R.

<sup>7</sup> Bem, D. J., & Funder, D. C.

<sup>8</sup> Kenrick, D. T.

<sup>9</sup> Omoto, A. M., & Snyder, M.

<sup>10</sup> Carlo, G., Allen, J., & Buhman, D.

<sup>11</sup> Knight, G. P., Johnson, L. G., Carlo, G., & Eisenberg, N.

ویژگی‌ها ممکن است با انگیزه‌ها در تعامل باشند و با هم بر روی رفتارهای اجتماعی اثر بگذارند (گو، هیون، باتاگار، شارما و مانچاندا، ۲۰۱۱؛ کارلو، اوکان، نایت و دی گازمان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). با توجه به توضیح اول، گرازیانو<sup>۲</sup> و آیزنبرگ (۱۹۹۷) پیشنهاد می‌کنند که خوشایندی احتمالاً ویژگی خلقی و گرایش اصلی کمک‌کننده به رفتارهای یاری‌رسان است. افراد خوشایند، افرادی نوع دوست، رک و راست، معتمد، رؤف، فروتن و فرمانبردار هستند (گرازیانو، ۱۹۹۴؛ مک کری و کاستا، ۱۹۹۹). اسناد علمی معتبری وجود دارد که ارتباط بین خوشایندی و رفتارهای مطلوب اجتماعی را نشان می‌دهد (گرازیانو و آیزنبرگ، ۱۹۹۷). به علاوه، محققین روابط مثبت و معناداری را بین خوشایندی و رفتارهای داوطلبانه یافته‌اند (مورک و استفان، ۱۹۹۱؛ اسمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ کارلو و همکاران، ۲۰۰۵). به طور مشابه برون‌گرایی با خوش‌مشربی (مردم‌آمیزی)، اهل‌معاشرت بودن، جرأت‌مندی، عواطف مثبت، خونگرمی و فعالیت مرتبط شده است (مک کری و کاستا، ۱۹۹۹) و پیش‌بینی‌کننده رفتارهای داوطلبانه بوده است (بورک و هال، ۱۹۸۶؛ هومیک، ۱۹۹۵؛ اسمیت، ۲۰۰۶). گرایش به رفتارهای داوطلبانه اغلب نیازمند تعاملات اجتماعی گسترده است، به همین دلیل دانشمندان آن را با برون‌گرایی مرتبط می‌دانند (بورک و هال<sup>۴</sup>، ۱۹۸۶). از این رو، در مطالعه حاضر با توجه به روابط بین ویژگی‌های شخصیتی (خوشایندی و برون‌گرایی) که به طور روشن با رفتارهای اجتماعی (مثل رفتار یاری‌رسان) مربوط هستند، مدل معادله ساختاری ارائه خواهد شد. بخصوص اینکه به نظر می‌رسد خوشایندی و برون‌گرایی به طور مثبت با رفتار یاری‌رسان مرتبط باشند. با توجه به توضیح دوم، محققین متذکر می‌شوند که این امکان وجود دارد که ویژگی‌ها به طور غیر مستقیم به رفتارهای اجتماعی مربوط باشد (کارلو و همکاران، ۲۰۰۵؛ کارلو، آلن و بوهمن، ۱۹۹۹). تعدادی از متغیرهای احتمالی میانجی مسلم در نظر گرفته شده‌اند که ممکن است روابط بین ویژگی‌ها و رفتارهای اجتماعی مثل رفتار یاری‌رسانی و داوطلبانه را توجیه کنند. در بین این متغیرهای میانجی احتمالی، انگیزه‌ها حاضر هستند. کلاری و همکاران (۱۹۹۸) یک مجموعه از شش انگیزه را برای رفتارهای داوطلبانه شناسایی کردند که عبارتند از: پیشرفت شغلی، مهارت‌های جدید یادگیری، تعامل اجتماعی، فرار از احساسات منفی، رشد شخصی و ابراز ارزش‌های اجتماعی. از بین این انگیزه‌ها، انگیزه ارزش اجتماعی برای داوطلب شدن به عنوان مفهومی روشن به رفتارهای داوطلبانه مربوط است، چرا که این رفتارها انعکاس‌دهنده تأیید و پشتیبانی از ارزش‌های مبتنی بر حفظ کمک داوطلبانه به دیگران است. در واقع صحنه‌گذاردن بر چیزی است که به آن ارزش‌های نودوستانه می‌گویند (آلیسون، اوکان و داتریگ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲؛ کلاری و همکاران، ۱۹۹۸؛ کلاری و اورنشتاین<sup>۶</sup>،

<sup>1</sup> Carlo, G., Okun, M. A., Knight, G., de Guzman M. R. T.

<sup>2</sup> Graziano, W. G., & Eisenberg, N. H.

<sup>3</sup> Smith, T. W.

<sup>4</sup> Burke, D. M., & Hall, M.

<sup>5</sup> Allison, L. D., Okun, M. A., & Dutridge, K. S.

<sup>6</sup> Clary, E. G., & Orenstein, L.

۱۹۹۱؛ اوکان، ۱۹۹۴؛ اموتو و اشنايدر، ۱۹۹۵؛ پتر و فینکل اشتاین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸). به علاوه هر دو ویژگی خوشایندی و برون‌گرایی نشان دهنده جهت‌گیری به دیگران است که به طور انتزاعی رابطه بین این گرایش‌های شخصیتی و انگیزه‌های ارزشمند اجتماعی را پدید می‌آورد. بنابراین منطقی است که برای افراد نوع دوست، گرم، خوشبین و عاطفی مثبت، رفتارهای اجتماعی مطلوب ارزشمند فرض شود. این مقاله به دنبال بررسی میزان تأثیرات خوشایندی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و پایداری هیجانی بر رفتار داوطلبانه (یاری‌رسان) می‌باشد که توسط انگیزه‌های ارزشمند مطلوب اجتماعی، میانجی‌گری می‌شود. در خصوص تبیین سوم، افراد برون‌گرا در جستجوی تعاملات اجتماعی مثبت و گرم هستند، البته این علاقه‌مندی زمانی رفتارهای داوطلبانه (یاری‌رسان) را واقعاً تسهیل می‌کند که با جهت‌گیری ذاتی نودوستانه در خوشایندی ترکیب شود. به علاوه امکان دارد این اتصال به واسطه انگیزه ارزشمند اجتماعی مطلوب که در بالا تشریح شد، میانجی‌گری شود. بنابراین در اینجا ضرورت دارد که میزان تأثیرات تعاملی خوشایندی و برون‌گرایی بر روی رفتار داوطلبانه (یاری‌رسان) با میانجی‌گری انگیزه‌های ارزشمند اجتماعی مطلوب بررسی شود. در رابطه با توضیح چهارم، برون‌گرایی ممکن است خلق وابسته مورد نیاز برای رفتار داوطلبانه را ایجاد کند. هرچند این امکان وجود دارد که میل به رفتار داوطلبانه به طور مشترک با پیوند هماهنگ بین ویژگی‌های شخصیتی با علاقه به رفتار داوطلبانه و انگیزه‌های مهم تر از آن تعیین شود (کارلو، آلن و بوهمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹، کلاری و اشنايدر، ۱۹۹۹). برای مثال، زمانی که انگیزه‌های ارزشی اجتماعی مطلوب بالاست، افراد برون‌گرا بیشتر از درون‌گراها دست به رفتارهای داوطلبانه می‌زنند. انگیزه‌های آنها نیز به رفتارهای اجتماعی مطلوب به طور انتزاعی با تفاوت‌های فردی در همدردی پیوند خورده‌اند (گرازیانو و آیزنبرگ، ۱۹۹۷). که آنها نیز به رفتارهای اجتماعی مطلوبی چون نودوستی متصل شده است (باتسون و موران<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ آیزنبرگ و فابس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸؛ استاب<sup>۵</sup>، ۱۹۸۷؛ کارلو و همکاران، ۲۰۰۵). تبیین پنجم نیز موید آن است که احساسات همدلانه بعنوان یک عامل انگیزشی بر رفتار یاری‌رسان بخصوص در نمونه‌های کوچک موثر است (مونروئه<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶). دیویس و همکاران (۱۹۹۹) دریافته‌اند که نگرانی‌های همدلانه بر یاری‌رسانی در موقعیت‌های زندگی موثر است. بکرز<sup>۷</sup> (۲۰۰۶) بین نگرانی‌های همدلانه و صدقه دادن رابطه همبستگی گزارش نموده است. اسمیت (۲۰۰۶) نیز ارتباط معناداری بین رفتار یاری‌رسان و نگرانی‌های همدلانه یافت هرچند این ارتباط رفتارها را بطور موجز بررسی نمی‌کرد. اینلوف<sup>۸</sup> (۲۰۰۷) به بررسی دقیق رفتارهای یاری‌رسان با نگرانی‌های همدلانه

<sup>1</sup> Penner, L. A., & Finkelstein, M. A.

<sup>2</sup> Carlo, G., Allen, J., & Buhman, D.

<sup>3</sup> Batson, C. D., & Moran, T.

<sup>4</sup> Eisenberg, N., & Fabes, R. A.

<sup>5</sup> Staub, E.

<sup>6</sup> Monroe, K.R.

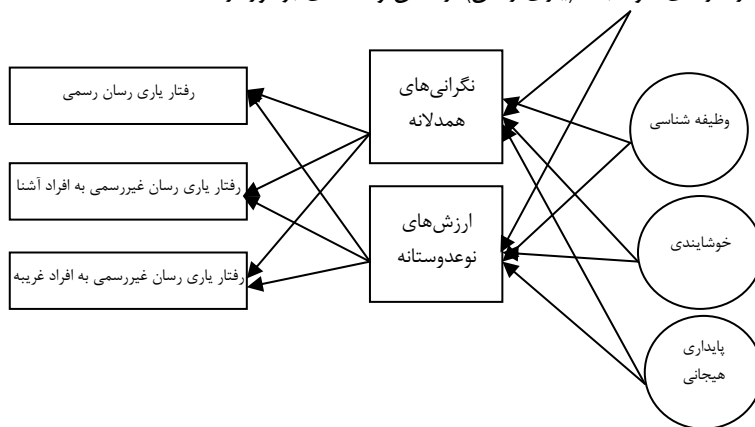
<sup>7</sup> Bekkers, R.

<sup>8</sup> Einolf, C. J.

پرداخت. با در نظر گرفتن این نکته، می‌توان اذعان کرد که نگرانی‌های همدلانه نوعی تمایل به تجربه احساس شفقت و همدردی نسبت به افراد نیازمند است (دیویس، ۱۹۹۴)، با این حال دیویس (۲۰۰۵) بیان می‌دارد که برای درک کامل رابطه بین آمادگی‌های فردی برای همدردی و پریشانی شخصی و برآندهایی همچون داوطلب شدن، رضایت خاطر از یاری رسانی داوطلبانه و تداوم آن به پژوهش‌های بیشتری نیاز است. از طرفی در بسیاری از مطالعات پیشین از نمونه‌های غیر تصادفی و غیر معرف استفاده شده است (پنر، ۲۰۰۲) که این محدودیت خود می‌تواند التزام به انجام این پژوهش را توجیه نماید. بدین ترتیب در این پژوهش به بررسی دو فرضیه اصلی پرداخته خواهد شد:

۱- بین ویژگی‌های شخصیتی، نگرانی‌های همدلانه، ارزش‌های نوعدوستانه و رفتارهای داوطلبانه (یاری رسان) رابطه وجود دارد.

۲- ارزش‌های نوعدوستانه و نگرانی‌های همدلانه در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای داوطلبانه (یاری رسان) از نقش واسطه‌ای برخوردار است.



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

## روش

از آنجا که این پژوهش سعی در یافتن رابطه بین چهار سازه (مفهوم) ویژگی‌های شخصیتی، نگرانی‌های همدلانه، ارزش‌های نوعدوستانه و رفتارهای یاری‌رسان دارد، از نوع مطالعات همبستگی است (نادی و سجادیان، ۱۳۸۹). جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه زنان و مردان ۱۴ سال به بالای ساکن در شهر اصفهان تشکیل می‌دادند. جامعه آماری فوق‌الذکر به جز شرط سنی دارای محدودیت تحصیلاتی، شغلی و وضعیت تأهل نبوده است. نمونه پژوهش حاضر ۴۰۰ زن و مرد ساکن در شهر اصفهان بودند. برای دستیابی به این نمونه، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای استفاده شد. بر اساس نقشه شهری، شهر اصفهان به چهار منطقه شرق، غرب، جنوب و شمال تقسیم شد، سپس از هر منطقه ۵ تا ۸ خیابان (براساس تعداد خیابان‌های هر منطقه) اصلی به صورت تصادفی

انتخاب شدند. در مرحله بعد، از هر خیابان تعداد ۵ کوچه اصلی انتخاب شد و در مرحله سوم از هر کوچه به صورت تصادفی پنج منزل یا پنج مغازه برای نمونه‌گیری (براساس پلاک فرد و زوج) انتخاب گردید. بنابراین از هر منطقه بین ۲۵ تا ۴۰ کوچه انتخاب شدند. از ۴۰۰ نفر گروه نمونه پژوهش (۱۲۴ نفر مرد) (معادل ۲۹/۵ درصد) و ۲۷۶ نفر زن (معادل ۶۹ درصد) بودند. اما ترکیب سنی این ۴۰۰ نفر نیز بدین شرح است: ۱۲۴ نفر زیر ۲۳ سال (معادل ۳۱ درصد)، ۱۵۴ نفر بین ۲۴ تا ۳۳ سال (معادل ۳۸/۵ درصد)، ۷۹ نفر بین ۳۴ تا ۴۳ سال (معادل ۱۹/۸ درصد)، ۲۶ نفر بین ۴۴ تا ۵۳ سال (معادل ۶/۵ درصد)، ۳ نفر بین ۵۴ تا ۶۳ سال (معادل ۰/۸ درصد) و ۴ نفر بین ۶۴ تا ۷۳ سال (معادل ۴ درصد). همچنین میانگین سنی گروه نمونه پژوهش حاضر ۲۹/۰۴ و انحراف معیار سنی آنها ۹/۵۵ بود. از نظر وضعیت تأهل نیز ۱۸۶ نفر مجرد و ۲۱۴ نفر متأهل بودند. پرسشنامه‌های این پژوهش همه به صورت یک جا به افرادی که برای نمونه انتخاب شده‌اند تحویل داده شده و به صورت انفرادی (نه گروهی) پاسخ داده شده‌اند. در این پژوهش ویژگی‌های شخصیتهای به عنوان متغیر پیش بین، نگرانی همدلانه، ارزش‌های نعدوستانه بعنوان متغیرهای واسطه‌ای و رفتارهای داوطلبانه (یاری رسان) نیز به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شدند. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر به شرح زیر بوده است:

#### ۱- پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی چهار عاملی فرم کوتاه<sup>۱</sup>: این پرسشنامه شامل

۴۰ سوال است و توسط بو و میتزفیریس<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) تهیه و اعتباریابی شده است (بو و میتزفیریس، ۲۰۰۷). مقیاس پاسخگویی این پرسشنامه پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱، کاملاً موافقم=۵) است و حداقل نمره‌ای که پاسخگو در این پرسشنامه کسب می‌کند ۴۰ و حداکثر آن ۱۹۵ می‌باشد. چهار مقیاس این پرسشنامه شامل برونگرایی<sup>۳</sup> (۱۰ سوال)؛ وظیفه شناسی<sup>۴</sup> (۱۰ سوال)؛ خوشایندی<sup>۵</sup> (۱۰ سوال) و پایداری هیجانی<sup>۶</sup> (۱۰ سوال) می‌باشد. یافته‌های لنگفورد استفاده از پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتهای چهار عاملی فرم کوتاه را تحت شرایطی که زمان پاسخگویی محدود و تعداد متغیرها زیاد است تأیید می‌نماید (لنگفورد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۳). بو و میتزفیریس (۲۰۰۷) آلفای کرونباخ ۰/۷ و شاخص همسانی خوبی را برای این پرسشنامه گزارش نموده‌اند. ضرایب پایایی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ و ضرایب اسپیرمن- براون و گاتمن به ترتیب ۰/۶۵ و ۰/۶۴ به دست آمد. این پرسشنامه در ایران توسط محمدی (۱۳۸۸) به زبان فارسی ترجمه شده و بر روی مردم شهر اصفهان اعتبار یابی شده است که ضرایب پایایی بدست آمده برای عوامل مختلف آن به ترتیب بالا عبارتند از ۰/۷۸ و همسانی درونی ۰/۶۷-۰/۱۸، ۰/۷۴ و همسانی درونی ۰/۶۶-۰/۱۴، ۰/۷۴ و

<sup>1</sup> International Personality Item Pool (IPIP) NEO short version

<sup>2</sup> Bove, L, Mitzifiris, B.

<sup>3</sup> Extraversion

<sup>4</sup> Conscientiousness

<sup>5</sup> Agreeableness

<sup>6</sup> Emotional stability

<sup>7</sup> Langford, P. H.

همسانی درونی ۰/۶۷-۰/۴ و ۰/۷۳ و همسانی درونی ۰/۵۸-۰/۲۱. همچنین روایی سازه این ابزار به روش تحلیل عاملی مطلوب گزارش شده است (محمدی، ۱۳۸۸).

**۲- مقیاس نگرانی‌های همدلانه:** دیویس (۱۹۹۴) شاخص واکنش بین فردی را تدوین نموده است که منظور از آن ساختارهایی است که مربوط به واکنش‌های یک فرد در مقابل تجارب دیگران می‌شود. این شاخص به سنجش چهار جنبه از آمادگی‌های همدلانه می‌پردازد: نگرانی همدلانه، پریشانی شخصی، خیال‌پردازی و خود را به جای دیگری گذاردن. در این مقاله تنها خرده مقیاس نگرانی همدلانه دیویس مورد مطالعه قرار گرفته است. این خرده مقیاس دارای ۷ گویه می‌باشد. دیویس و فرانزوی<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) و لیبیل و همکاران، (۲۰۰۰) ضریب آلفای کرونباخ این خرده مقیاس را (۰/۷۶) گزارش نمودند. طیف پاسخگویی به این مقیاس، پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً مرا توصیف می‌کند=۵ و اصلاً مرا توصیف نمی‌کند = ۱) است. در نمره‌گذاری با توجه به محتوای گویه‌ها، سه گویه ۲، ۴ و ۵ معکوس شد.

**۳- پرسشنامه ارزش‌های نودوستانه نیکل (۱۹۹۸) و وب و همکاران (۲۰۰۰):** این مقیاس دارای ۴ گویه می‌باشد. طیف پاسخگویی به این پرسشنامه، پنج درجه‌ای لیکرت (اصلاً=۵ و بسیار زیاد=۱) است. اسمیت (۲۰۰۶) میانگین همبستگی درونی گویه‌ها را ۰/۳۴ و ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۵۵ گزارش نمود.

**۴- پرسشنامه رفتارهای یاری رسان:** برای سنجش رفتارهای یاری رسان از پرسشنامه ۱۵ گویه‌ای رفتارهای یاری رسان اسمیت (۲۰۰۳) استفاده شد که دارای سه بعد یاری رسانی رسمی، یاری رسانی غیر رسمی به نزدیکان، خویشاوندان، دوستان، همسایگان و کسانی که شخصاً آنها را می‌شناسیم و یاری رسانی غیر رسمی به افراد غریبه می‌باشد، میزان آلفای کرونباخ در این پژوهش برای این سه بعد به ترتیب (۰/۵۰، ۰/۷ و ۰/۷۱) بدست آمد. لازم به ذکر است که داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار لیزرل نسخه ۸/۵ تحلیل گردید.

## یافته‌ها

چنانچه در جدول ۱ قابل مشاهده است، بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی با یاری‌رسانی غیر رسمی به افراد آشنا (نزدیکان و خویشاوندان)، وظیفه‌شناسی با نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه، خوشایندی با یاری رسانی رسمی و غیر رسمی به افراد آشنا و افراد غریبه، نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه و شادی با یاری رسانی غیررسمی به افراد آشنا، ارتباط مثبت و پایداری هیجانی با یاری رسانی غیررسمی به افراد آشنا، نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه رابطه منفی و معکوس وجود داشت.

<sup>1</sup> Davis, M. H., & Franzoi, S.



جدول ۱- شاخص‌های توصیفی و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش

شاخص آماری / متغیرها	میانگین	انحراف معیار	رقتار رسمی	رقتار یاری‌رسان	غیررسمی به افراد آشنا	غیررسمی به رقتار یاری‌رسان	غیررسمی به افراد غریبه	رقتار یاری‌رسان	همدلانه	نگرانی‌های نعدوستانه	ارزش‌های نعدوستانه	برونگرایی	وظیفه‌شناسی	خوشایندی	پایداری هیجانی
رقتار یاری‌رسان رسمی	۷/۹۵	۲/۶۰	-												
رقتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد آشنا	۱۴/۸۵	۵/۵۵	۰/۵۰۴**	-											
رقتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد غریبه	۱۷/۸۸	۵/۸۲	۰/۵۱۱**	۰/۶۰۵**	-										
نگرانی‌های همدلانه	۲۶/۱۷	۴/۱۱	۰/۱۷۸**	۰/۱۵۶**	۰/۲۲۰**	-									
ارزش‌های نعدوستانه	۱۲/۲۸	۱/۷۶	۰/۱۸۲**	۰/۱۶۸**	۰/۲۱۵**	۰/۲۸۳**	-								
برونگرایی	۳۰/۴۴	۵/۷۷	۰/۰۷۹	۰/۱۱۵**	۰/۰۶۵	۰/۰۶۰	۰/۰۲۱	-							
وظیفه‌شناسی	۳۵/۹۵	۵/۹۸	۰/۰۶۲	۰/۰۹۱	۰/۰۳۵	۰/۲۳۱**	۰/۱۹۰**	۰/۱۱۳*	-						
خوشایندی	۳۸/۱۸	۵/۸۱	۰/۱۲۴**	۰/۱۱۷*	۰/۱۵۷**	۰/۴۳۱**	۰/۳۳۸**	۰/۱۷۵**	۰/۳۹۵**	-					
پایداری هیجانی	۲۸/۹۴	۶/۸۴	۰/۰۷۰	۰/۱۱۶*	۰/۰۸۹	۰/۱۳۸**	۰/۱۸۶**	۰/۰۷۵	۰/۱۹۸**	۰/۰۰۳	-				

\*\*  $P < 0.01$  \*  $P < 0.05$

چنانکه در جدول (۱) دیده می‌شود از بین ویژگی‌های شخصیتی، وظیفه‌شناسی و خوشایندی با نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نعدوستانه دارای مثبت و معنادار و پایداری هیجانی دارای رابطه منفی و معنادار ( $P < 0.01$ ) بوده‌اند. همچنین برونگرایی دارای رابطه مثبت با رقتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد آشنا، خوشایندی دارای رابطه مثبت با هر سه رقتار یاری‌رسان ( $P < 0.01$ ) و پایداری هیجانی دارای رابطه منفی و معکوس با رقتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد آشنا بود ( $P < 0.05$ ). ارزش‌های نعدوستانه نیز دارای رابطه مثبت با نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نعدوستانه و نگرانی‌های همدلانه نیز دارای رابطه مثبت و معنادار با هر سه رقتار یاری‌رسان بودند ( $P < 0.01$ ).

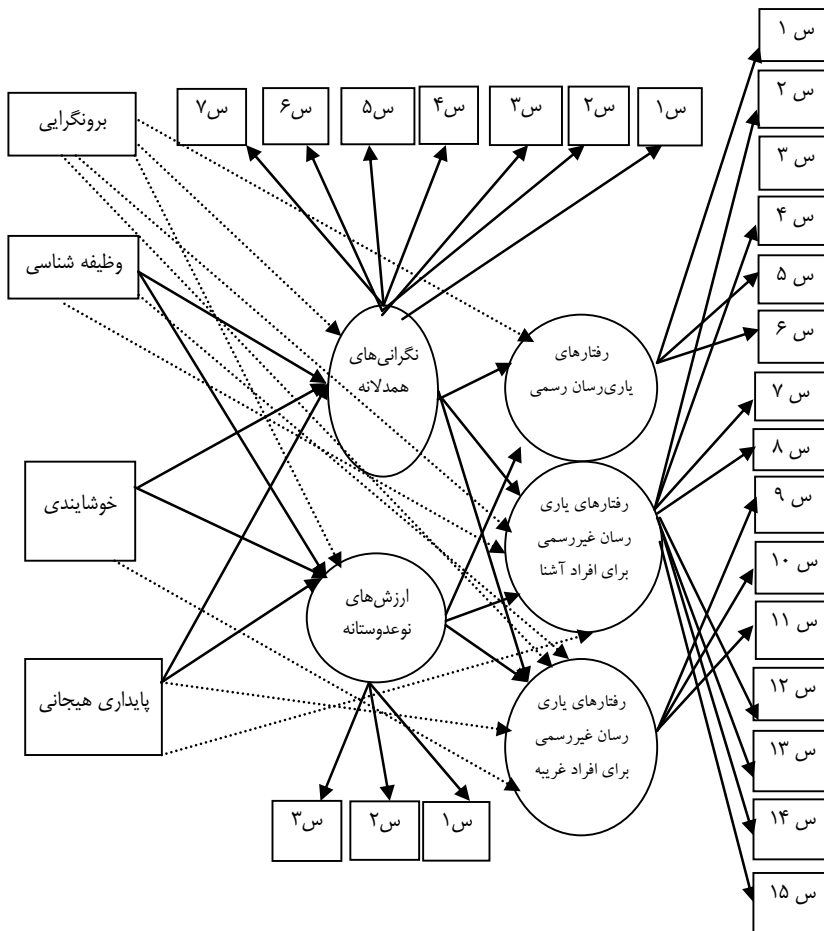
بمنظور تعیین میزان تاثیر ویژگی‌های شخصیتی بر رفتارهای یاری‌رسان بواسطه ارزش‌های نعدوستانه و نگرانی‌های همدلانه از مدل یابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. نتایج مدل‌یابی معادله ساختاری در جدول ۲ و دیاگرام ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- مقادیر بتا، تی سوبل و ضرایب مبین مسیرهای مدل نهایی

نتیجه فرضیه	R <sup>2</sup>	T سوبل	خطای استاندارد	شاخص آماری مقادیر $\beta$	مسیرهای مدل نهایی
-	۰/۶۸	۰/۴۱	۰/۰۱۶	۰/۰۰۶۴	برون‌گرایی ← نگرانی‌های همدلانه
-	۰/۸۲	-۱/۱۴	۰/۰۲۵	-۰/۰۲۸	برون‌گرایی ← ارزش‌های نועدوستانه
+	۰/۶۸	۳/۵۷	۰/۰۱۹	۰/۰۰۶۸	وظیفه‌شناسی ← نگرانی‌های همدلانه
+	۰/۸۲	۳/۱۶	۰/۰۳۷	۰/۱۲	وظیفه‌شناسی ← ارزش‌های نועدوستانه
+	۰/۶۸	۶/۶۳	۰/۰۳۰	۰/۲۰	خوشایندی ← نگرانی‌های همدلانه
+	۰/۸۲	۳/۹۴	۰/۰۷۴	۰/۲۹	خوشایندی ← ارزش‌های نועدوستانه
+	۰/۶۸	-۴/۹۹	۰/۰۱۷	۰/۰۸۳	پایداری هیجانی ← نگرانی‌های همدلانه
+	۰/۸۲	-۳/۲۰	۰/۰۳۳	۰/۱۱	پایداری هیجانی ← ارزش‌های نועدوستانه
+	۰/۷۷	۳/۸۰	۰/۴۱	۱/۵۵	نگرانی‌های همدلانه ← رفتار یاری‌رسان رسمی
+	۰/۸۷	۳/۵۹	۰/۶۱	۲/۲۱	نگرانی‌های همدلانه ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد آشنا
+	۰/۹۰	۲/۷۹	۰/۹۳	۲/۶۰	نگرانی‌های همدلانه ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد غریبه
+	۰/۷۷	-۳/۱۹	۰/۲۶	۰/۸۳	ارزش‌های نועدوستانه ← رفتار یاری‌رسان رسمی
+	۰/۸۷	-۳/۱۲	۰/۴۱	۱/۲۸	ارزش‌های نועدوستانه ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد آشنا
+	۰/۹۰	-۲/۵۴	۰/۵۹	۱/۵۱	ارزش‌های نועدوستانه ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد غریبه
-	۰/۰۶۵	۱/۷۳	۰/۰۱۹	۰/۰۳۳	برون‌گرایی ← رفتار یاری‌رسان رسمی
-	۰/۰۴۴	۱/۷۷	۰/۰۲۸	۰/۰۵۰	برون‌گرایی ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد آشنا
-	۰/۰۴۶	۱/۶۵	۰/۰۳۶	۰/۰۵۹	برون‌گرایی ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد غریبه
+	۰/۰۶۵	۳/۵۷	۰/۰۱۹	۰/۰۰۶۸	وظیفه‌شناسی ← رفتار یاری‌رسان رسمی
-	۰/۰۴۴	-۰/۰۴۱	۰/۰۲۷	۰/۰۰۱۱	وظیفه‌شناسی ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد آشنا
-	۰/۰۴۶	-۰/۰۴۸	۰/۰۳۱	۰/۰۰۱۵	وظیفه‌شناسی ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد غریبه
+	۰/۰۶۵	۲/۳۶	۰/۰۲۸	۰/۰۰۶۵	خوشایندی ← رفتار یاری‌رسان رسمی
+	۰/۰۴۴	۱/۹۸	۰/۰۳۳	۰/۰۰۶۵	خوشایندی ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد آشنا
-	۰/۰۴۶	۱/۸۲	۰/۰۴۱	۰/۰۰۷۶	خوشایندی ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد غریبه
+	۰/۰۶۵	-۲/۱۷	۰/۰۱۸	۰/۰۰۳۹	پایداری هیجانی ← رفتار یاری‌رسان رسمی
-	۰/۰۴۴	-۱/۸۷	۰/۰۲۵	۰/۰۰۴۶	پایداری هیجانی ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد آشنا
-	۰/۰۴۶	-۱/۷۳	۰/۰۳۱	۰/۰۰۵۴	پایداری هیجانی ← رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد غریبه

P < ۰/۰۱

اطلاعات جدول ۲ موید آنست که تأثیر برونگرایی بر ارزش‌های ناعدوستانه و نگرانی‌های همدلانه، رفتار یاری رسان رسمی، غیر رسمی به افراد آشنا و غیر رسمی به افراد غریبه، وظیفه‌شناسی بر غیر رسمی به افراد آشنا و غیر رسمی به افراد غریبه، خوشایندی بر رفتار یاری‌رسان غیر رسمی به افراد غریبه و پایداری هیجانی بر غیر رسمی به افراد آشنا و غیر رسمی به افراد غریبه با توجه به ضرایب مسیر و تی سوپل بدست آمده غیرمعنادار می‌باشد، ولی بقیه مسیرها دارای ضرایب معنادار می‌باشد ( $P < 0/01$ ).



شکل ۲- مدل نهایی پژوهش

شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب<sup>۱</sup> برای عوامل از ۰/۰۶۵ شده است. حد مطلوب آن کمتر از ۰/۰۵ یا ۰/۱ می‌باشد. ریشه میانگین مجذور باقیمانده‌ها<sup>۲</sup> ۰/۰۷ است (حد مطلوب نزدیک به

<sup>۱</sup> RMSEA

<sup>۲</sup> RMR

صفر). شاخص نیکویی برازش<sup>۱</sup> و شاخص تعدیل شده نیکویی برازش<sup>۲</sup> نزدیک به یک (حد مطلوب) می‌باشد. نسبت مجذور کای به درجه آزادی از ۲/۶۵ است (کمتر از ۳ مطلوب است). شاخص نرم شده نسبی<sup>۳</sup> ۰/۸۳ می‌باشد (حد مطلوب بالاتر ۰/۹ تا یک است). شاخص برازندگی تطبیقی<sup>۴</sup> برابر ۰/۹۰ می‌باشد (حد مطلوب بالاتر از ۰/۹ تا یک است). متداول‌ترین روش برای برآورد پارامترهای بهترین برازندگی در مدل‌یابی معادلات ساختاری، روش بیشینه احتمالی<sup>۵</sup> نامیده می‌شود. این روش، یک فرآیند تکرار شونده است که در آن مجموعه‌ای از پارامترها برآورد می‌شود. بر پایه این برآورد اولیه، تابعی به نام تابع برازندگی محاسبه می‌شود، این تابع اساساً ضریبی است که برازندگی پارامترها را با داده‌ها توصیف می‌کند. دومین برآورد، بر اساس نخستین برآورد به دست می‌آید تا تابع برازندگی کوچکتری حاصل شود. در این موقع مدل مورد نظر در یک مجموعه نهایی از برآورد پارامترها همگرا شده است. وقتی یک مدل دقیقاً مشخص شود و دارای ویژگی همانند باشد و برآورد و آزمون آن امکان‌پذیر گردد، در این صورت برای برازندگی آن می‌توان از شاخص‌های زیر استفاده کرد که در این مدل نیز از آنها سود برده شده است: ۱- شاخص نرم شده برازندگی، ۲- شاخص نرم نشده برازندگی<sup>۶</sup>، ۳- شاخص برازندگی تطبیقی، ۴- جذر برآورد واریانس خطای تقریب، و اندازه‌های لیزرل که به ترتیب شاخص برازندگی و شاخص تعدیل شده برازندگی نامیده می‌شوند. مدل ساختاری شامل یک مجموعه معادلات ساختاری است که روابط علی ممکن بین متغیرها را توصیف می‌کند. در این فرآیند ابتدا یک سلسله مراتب علی مطرح می‌شود که در آن برخی متغیرها ممکن است علت احتمالی متغیرهای دیگر باشند، اما به طور قطع نمی‌توانند معلول آنها باشند. بنابراین مدل برازش شده این پژوهش در دیگرام (۲) آمده است. از مجموع شاخص‌های برازش می‌توان دریافت که داده‌ها با مدل مفروض هماهنگی دارند و مدل مفهومی قابل تأیید است هرچند در بعضی از مسیرها ضرایب تأیید نشده است و بصورت نقطه چین در مدل نشان داده شده است.

### جدول ۳- شاخص‌های برازش مدل نهایی پژوهش

NFI	IFI	NFI	CFI	AGFI	GFI	$\chi^2/df$	RMSEA	RMR	df	$\chi^2$
۰/۸۳	۰/۹۰	۰/۹۶	۰/۹۰	۰/۸۳	۰/۸۶	۲/۶۵	۰/۰۶۵	۰/۰۷	۳۳۴	۸۸۵/۸۹

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از فرضیه اول و دوم پژوهش، شواهد ارزشمندی از رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی، نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نئودوستانه با رفتار یاری رسان رسمی، رفتار

<sup>۱</sup> GFI

<sup>۲</sup> AGFI

<sup>۳</sup> NFI

<sup>۴</sup> CFI

<sup>۵</sup> Maximum Likelihood

<sup>۶</sup> NNFI

یاری‌رسان غیر رسمی با افراد آشنا و رفتار یاری‌رسان غیر رسمی در بین مردم ارائه کرده است. رفتار یاری‌رسان رسمی با نگرانی‌های همدلانه، ارزش‌های نودوستانه و صرفاً ویژگی خوشایندی دارای رابطه معنادار بود که البته بالاترین ارتباط با ارزش‌های نودوستانه بدست آمد ولی نتایج مدل معادله ساختاری علاوه بر تأیید ارتباط نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه با رفتار یاری‌رسان رسمی (با واریانس مشترک ۰/۷۷)، نشان داد که علاوه بر ویژگی شخصیتی خوشایندی، پایداری هیجانی نیز بر رفتار یاری‌رسان رسمی تأثیر داشت و تنها ۶ درصد واریانس رفتار یاری‌رسان رسمی را تبیین می‌کرد. البته این تأثیرات علاوه بر شدت، از حیث جهت نیز با یکدیگر متفاوت بودند و پایداری هیجانی بر نگرانی‌های همدلانه، ارزش‌های نودوستانه و رفتار یاری‌رسان رسمی دارای تأثیر منفی بود. در حوزه رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی خوشایندی و پایداری هیجانی، نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه با رفتار یاری‌رسان رسمی، یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین، همسویی قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. گرچه با ابعادی از مطالعه باریو، آلوجا و گارسیا (۲۰۰۴) ناهمسو است. چرا که آنها مدعی وجود ارتباط بین پنج عامل بزرگ شخصیت با همدلی بودند و این در حالی است که در پژوهش حاضر هم در سطح روابط ساده و هم مدل‌سازی معادلات ساختاری برون‌گرایی فاقد ارتباط و تأثیر است و وظیفه‌شناسی نیز تنها بر نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه اثر دارد که این یافته با یافته گرازبانو و آیزنبرگ (۱۹۹۷) همخوان است هرچند این دو مدعی رابطه وظیفه‌شناسی با رفتارهای اجتماعی مطلوب نیز بودند. با وجود آنکه روابط و اثرات بدست آمده در مدل مطلوب است ولی تأثیر خوشایندی بر رفتار یاری‌رسان از منظر شخصیت در شهر اصفهان با ادعاها و مطالعات بین‌المللی بی‌ارتباط نیست. شولتز و شولتز (۱۳۸۱) خوشایندی را بر خلاف چهار عامل مولفه ارثی، یک مولفه محیطی نیرومند می‌دانند که احتمالاً در فرهنگ‌های شرقی با توجه به نظام اجتماعی - خانوادگی قوی و گسترده عاطفی، بیشتر ویژگی‌هایی همچون خوش‌قلبی، دلسوزی، ساده‌دلی و ادب در دوران کودکی شکل می‌گیرد. کاستا و مک کری (۱۹۹۴) نیز مدعی هستند که خوشایندی ریشه در کودکی انسان دارد و خوشایندی بالا در کودکی، در بزرگسالی نیز حفظ می‌گردد. از طرفی تأثیرات منفی پایداری هیجانی بر رفتار یاری‌رسان رسمی نیز شاید حاکی از مشخصه‌های اصلی این ویژگی یعنی نگرانی، دلشوره، عدم ایمنی و عصبیت باشد که مسیرهای منتهی به رفتارهای یاری‌رسان را مسدود می‌سازد. هرچند بنظر می‌رسد تأثیر ویژگی وظیفه‌شناسی بر نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه در برابر ویژگی خوشایندی و پایداری هیجانی از توان کمتری برای انتقال ویژگی به رفتار یاری‌رسان رسمی برخوردار بوده است و با توجه به مقادیر بدست آمده  $\beta = 0/065$  و  $T = 2/36$  و  $\beta = -0/039$  و  $T = -2/17$  ترکیب صفات باعث نیرومندی اثر آنها در برابر وظیفه‌شناسی شده است. همچنین بسیاری از افراد تمایل زیادی دارند که کمک‌های آنها به دیگران پنهان بماند و فرد دریافت‌کننده کمک، آنها را نشناسد و این حالت بیشتر نظام ارزشی و نگرانی‌های همدلانه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد که دریافت‌کننده کمک حضور ندارد. اما در حوزه رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی،

نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نועدوستانه با رفتار یاری رسان غیررسمی با افراد آشنا شرایط متفاوت است. بالاترین رابطه مربوط به ارزش‌های نועدوستانه ( $r=0/168$ ) و رابطه منفی و معکوس نیز متعلق به پایداری هیجانی بود که البته علی‌رغم جهت رابطه ولی مقدار آن نسبتاً بزرگ ( $r=-0/116$ ) بود. همچنین، اگرچه بین برونگرایی با رفتار یاری رسان غیررسمی با افراد آشنا رابطه مثبتی مشاهده شد ولی رابطه‌ای با وظیفه‌شناسی بدست نیامد. نועدوستی و متعاقب آن کمک به دیگران نیازمند انگیزه در انسان است که این انگیزه‌ها یا ریشه در ویژگی‌های شخصیتی دارد و یا بواسطه تقویت احساسات، عواطف و ارزش‌های شخصی بوسیله ویژگی‌ها منجر به رفتار یاری‌رسان می‌شود. کینگ، گتورگ و هبل (۲۰۰۵) معتقدند که پایداری هیجانی بالا، کمتر باعث تغییر عواطف در پاسخ به موقعیت می‌شود. اما اینکه چرا براساس پاسخ‌های شرکت کنندگان در پژوهش، رفتار یاری رسان رسمی تحت تأثیر پایداری هیجانی و رفتار یاری رسان غیررسمی با افراد آشنا تحت تأثیر این ویژگی نیست، احتمالاً برطبق نظر نوک، کینگستون و هولیان (۲۰۰۶) به دلیل مجموعه‌ای از اجزای شناختی- اخلاقی و هنجاری است که فرد در کمک به اعضای فامیل و دوستان و خانواده احساس می‌کند و این در حالی است که در ارتباط با فرد غریبه، مبنای کمک بیشتر احساسات مبتنی بر نگرانی‌های همدلانه می‌باشد. پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان متعددی، نظیر گو، هیون، باتناگار، شارما و مانچاندا (۲۰۱۱) و کارلو، اوکان، نایت و دی‌گازمان (۲۰۰۵) بر این باورند که انگیزه‌های ارزشی و همدلانه می‌تواند واسطه بین ویژگی‌های شخصیتی همچون برونگرایی، وظیفه‌شناسی و خوشایندی با رفتارهای یاری‌رسان باشد. یافته‌های مربوط به معادله ساختاری پژوهش به لحاظ همخوانی با یافته‌های قبلی تنها اثرات ویژگی خوشایندی را تأیید کرد. بدین معنا که کمک غیررسمی به دوستان و نزدیکان نیازی به نظم، سخت‌کوشی، قابل اعتماد بودن و دقت ندارد ولی خوشایندی یعنی فداکاری، درستکاری و از خود گذشتگی به همراه مردم‌آمیزی و محبت می‌تواند گرایش به یاری‌رسانی را تقویت کند. اما اینکه چرا رابطه برونگرایی ( $r=0/115$ ) و پایداری هیجانی ( $r=-0/116$ ) در سطح روابط ساده با رفتار یاری رسان غیررسمی با افراد آشنا معنادار است ولی در مدل فاقد تأثیر هستند شاید به دلیل قدرتمندی تأثیرات ویژگی خوشایندی باشد که کارلو، اوکان، نایت و گازمان (۲۰۰۵) بر این موضوع تأکید می‌ورزند با این تفاوت که آنها در پژوهش خود برونگرایی را نیز بعنوان یک ویژگی مهم شناسایی کردند که می‌توان این تفاوت را به ویژگی‌های محیطی و فرهنگی دو نمونه نسبت داد. از طرفی یافته‌های مطالعه گرازیانو (۱۹۹۴) موید تأثیرگذاری خوشایندی بر رفتارهای یاری رسان است. بعلاوه در مطالعه حاضر اگرچه خوشایندی به ترتیب تبیین کننده ۶۸ و ۸۲ درصد از واریانس نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نועدوستانه بعنوان انگیزه‌های رفتار یاری‌رسان بود اما این قدرت تبیین به این معنا نیست که دیگر ویژگی‌ها بی‌فایده‌اند بلکه این احتمال وجود دارد که دیگر ویژگی‌ها پیش‌بینی کننده رفتارهای اجتماعی مطلوبی باشند که در این پژوهش سنجیده نشدند. از طرف دیگر نباید تفاوت‌های فردی افراد را در پذیرش درخواست شخص نیازمند کمک از نظر دور داشت. اغلب اوقات رفتار یاری رسان با درخواست از طرف فرد نیازمند

کمک آغاز می‌شود. بنابراین افراد با خوشایندی بالا احتمالاً بیش از کسانی که خوشایندی پایین دارند به درخواست‌ها واکنش نشان می‌دهند (مورک و استفان، ۱۹۹۱) و ارزش‌های نودوستانه و جنبه‌های همدلانه شخصیت سریع‌تر در آنها برای یاری‌رسانی به دیگران فعال می‌شود که البته در این راستا نیاز به انجام پژوهش‌های بیشتر قطعی است. در رابطه با یاری‌رسانی به افراد غریبه، نتایج حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین نگرانی‌های همدلانه ( $r=0/220$ )، ارزش‌های نودوستانه ( $r=0/215$ ) و خوشایندی ( $r=0/157$ ) رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد غریبه بود. این یافته موید اثرگذاری مستقیم ویژگی خوشایندی بر رفتارهای یاری‌رسان بواسطه نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه بدون توجه به درخواست کننده کمک و شرایط دریافت کننده و همچنین نشان دهنده نقش واسطه‌گری نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه در رابطه با سه ویژگی وظیفه‌شناسی، خوشایندی و پایداری هیجانی در رابطه با رفتار یاری‌رسان غیررسمی به افراد غریبه است. بنظر می‌رسد در ارتباط با افراد غریبه خود ویژگی توان ایجاد رفتار یاری‌رسان را دارا نیست و با تأثیر بر همدلی و نودوستی و شکل دهی این دو انگیزه شرایط کمک فراهم می‌گردد هرچند از بین سه ویژگی وظیفه‌شناسی، خوشایندی و پایداری هیجانی، قوی‌ترین تأثیرات بر دو متغیر واسطه (نگرانی‌های همدلانه و ارزش‌های نودوستانه) مربوط به ویژگی خوشایندی بود و از این حیث در یک سطح کلی با یافته‌های کارلو، اوکان، نایت و دی‌گازمان (۲۰۰۵) ناهمخوان است. اما به زعم کارلو، آلن و بوهمن (۱۹۹۹) امکان غیر خطی بودن روابط بین ویژگی‌ها و رفتارهای داوطلبانه را نمی‌توان نادیده گرفت. از طرفی به احتمال زیاد بسیاری از رفتارهای یاری‌رسان آنگونه که اسمیت (۲۰۰۶) بیان می‌دارد وابسته به حضور در یک موقعیت و فرصت برای کمک هستند و وجود یا عدم وجود فرصت یک عامل تصادفی است که می‌تواند ارتباط بین انواع رفتارهای یاری‌رسان و همدلی را تیره و تار کند. بطور مشابه دیویس (۲۰۰۵) نیز نگرانی‌های همدلانه را نوعی ویژگی شخصیتی در انگیزش یاری‌رسانی می‌داند منتهی عدم ارتباط را در مطالعات غیر آزمایشی ناشی از روش‌ها و ابزارهای ناکامل می‌داند. از طرفی این که چرا سه ویژگی شخصیتی وظیفه‌شناسی، خوشایندی و پایداری هیجانی بر ارزش‌های نودوستانه و نگرانی‌های همدلانه تأثیر گذارند ولی این اثرات بر رفتارهای یاری‌رسان موثر نیست شاید بتوان احتمال وجود انگیزاننده‌های دیگری همچون افکار اخلاقی و میزان این دو متغیر را برای اثرگذاری بر رفتار یاری‌رسان به افراد غریبه مطرح نمود و علاوه بر نقش واسطه نگرانی‌های همدلانه در سطح بعدی و بعنوان یک واسطه ثانویه نقش افکار اخلاقی را قبل از رفتار یاری‌رسان غیر رسمی به افراد غریبه بررسی نمود. همچنین موقعیتی که فرد غریبه نیازمند کمک است یعنی بافت اجتماعی، ارزشی، مذهبی و فرهنگی که در آن درخواست کمک مطرح می‌شود نیز در مطالعات آتی بایستی بررسی گردد. داماسیو (۲۰۰۲) نیز به بررسی سیستم عصبی در مغز اشاره می‌کند و مدعی است افرادی که از آسیب قشرهایی از مغز رنج می‌برند که در آنجا افکار همدلانه پردازش می‌شود، محدوده اخلاقی را بعد از جراحی از دست داده‌اند. بنابراین می‌توان چنین استنتاج کرد که عدم جراحی ولی رشد نیافتگی بخش پردازش افکار همدلی

در مغز می‌تواند باعث کاهش یا نادیده گرفتن رفتارهای یاری رسان شود. بنابراین در ارتباط با افراد بزرگسال ظاهراً بایستی علاوه بر ویژگی‌های شخصیتی لازم است به عوامل زمینه‌ای، جمعیتی شناختی و مذهبی در تعامل توجه گردد.

به دلیل آنکه پژوهش حاضر بر نقش نועدوستی و همدلی به عنوان واسطه‌های رفتار یاری‌رسان متمرکز بود شاید ضرورت انجام مطالعه بر روی ویژگی‌های خودخواهانه ضرورت یابد چرا که این فرضیه محتمل است که نمی‌توان کمک به دیگران را صرفاً به نועدوستی و همدلی نسبت داد و از طرفی شاید بتوان بعنوان یک نقد جدید ویژگی‌های مطرح توسط کاستا و مک کری را در رابطه با رفتارهای یاری‌رسان دارای ضعف دانست و این احتمال را در نظر گرفت که ممکن است ویژگی خوشایندی بدلیل نقش آشکاری که بر رفتارهای اجتماعی مطلوب دارد همان ویژگی نועدوستی باشد. بعلاوه در مدل ارائه نقش متغیرهای جمعیت شناخت همچون سن، جنس و تحصیلات بررسی نشد که لازم است در مطالعات آتی مورد توجه قرار گیرد و می‌توان از آن بعنوان یک محدودیت یاد کرد. همچنین لازم است پژوهش‌های آتی مشخص سازند که تأثیرات تعاملی ویژگی‌ها بر رفتارهای یاری‌رسان چیست و از چه طریق می‌توان نقش عوامل محیطی را بر این رفتارها تشدید کرد بعلاوه این سؤال که آیا می‌توان با تغییر شرایط محیطی رفتارها را پیش‌بینی کرد کماکان مطرح است. در نهایت نیز باید توجه داشت که بعنوان یک محدودیت، پژوهش حاضر بر روی مردم شهر اصفهان و در سال ۱۳۹۰ انجام پذیرفته و لذا در تعمیم نتایج به گستره‌های زمانی و مکانی دیگر باید با احتیاط عمل شود. محدودیت دوم این که، نتایج حاصل از این پژوهش مبتنی بر همبستگی و معادلات ساختاری است و لذا تبیین و تفسیر نتایج به صورت علت و معلولی چندان منطقی نیست. همچنین کلیه یافته‌های پژوهش حاضر از طریق ابزارهای خود گزارش‌دهی گردآوری شده است و علی‌رغم آنکه در کلیه مطالعات داخلی و خارجی ملاک سنجش مقادیر را این نوع ابزارها در نظر می‌گیرند با این همه با توجه نوع گویه‌ها که رفتارهای مطلوبی را از فرد سوال می‌نمودند احتمال اریب در پاسخ‌ها محتمل است بخصوص در مورد رفتارهای یاری رسان و نگرانی‌های همدلانه که به زعم اسمیت (۲۰۰۶) هر دو از سوگیری ذهنی مطلوبیت اجتماعی برخوردارند که یا با کنترل شرایط پژوهش یا طراحی یک مطالعه آزمایشی و یا کاربست ابزارهای عینی می‌توان این محدودیت را مرتفع کرد.

## منابع

- شولتز، دوان، و شولتز، سیدنی ال. (۱۳۸۱). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: موسسه نشر ویرایش.
- محمدی، میترا. (۱۳۸۸). *رابطه بین وفاداری دانشجویان دختر مدارس غیر دولتی با اعتماد، تعهد، رضایت و ویژگی‌های شخصیتی در شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان).



نادی، محمد علی و سجادیان، ایلناز. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر روش تحقیق کاربردی در علوم انسانی. اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

Allison, L. D., Okun, M. A., & Dutridge, K. S. (2002). Assessing volunteer motives: a comparison of an openended probe and likert rating scales. *Journal of Community and Applied Social Psychology*, 12, 243–255.

Barrio, V. D; Aluja, A; García, L. F.(2004). Relationship between empathy and the big five personality traits in a sample of Spanish adolescents. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 32(7), 677-681.

Batson, C. D., & Moran, T. (1999). Empathy-induced altruism in a prisoner's dilemma. *European Journal of Social Psychology*, 29, 909–924.

Bekkers, R., (2006). Traditional and health-related philanthropy: the role of resources and personality. *Social Psychology Quarterly* 69 (4), 349-366-

Bem, D. J., & Funder, D. C. (1978). Predicting more of the people more of the time: assessing the personality of situations. *Psychological Review*, 85, 485-501.

Bove, L, Mitzifiris, B.(2007). Personality traits and the process of store loyalty in a transactional- prone context. *Journal of Services Marketing*, 7: 507-515.

Burke, D. M., & Hall, M. (1986). Personality characteristics of volunteers in a Companion for Children program. *Psychological Reports*, 59, 819-825.

Burns, D. J., Reid, J. S., Tocar, M., Fawcett, J. & Anderson, C. (2006). Motivations to volunteer: the role of altruism. *Int Rev Publ Non Profit Market*, 3(2):79-91.

Carlo, G., Allen, J., & Buhman, D. (1999). Facilitating and disinhibiting prosocial behaviors: the nonlinear interaction of trait perspective taking and trait personal distress on volunteering. *Basic and Applied Social Psychology*, 21, 189-197.

Carlo, G., Knight, G. P., Eisenberg, N., & Rotenberg, K. J. (1991). Cognitive processes and prosocial behaviors among children: the role of affective attributions and reconciliations. *Developmental Psychology*, 27, 456-461.

Carlo, G., Okun, M. A., Knight, G., de Guzman M. R. T.(2005). The interplay of traits and motives on volunteering: agreeableness, extraversion and prosocial value motivation. *Personality and Individual Differences* 38, 1293-1305.

Clary, E. G., & Orenstein, L. (1991). The amount and effectiveness of help: the relationship of motives and abilities to helping behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 17, 58-64.

Clary, E. G., & Snyder, M. (1999). The motivations to volunteer: theoretical and practical considerations. *Current Directions in Psychological Science*, 8, 156–159.

Clary, E. G., Snyder, M., Ridge, R. D., Copeland, J., Stukas, A. A., Haugen, J., & Miene, P. (1998). Understanding and assessing the motivations of volunteers: a functional approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1516-1530.

Damasio, A. R., (2002a). *A note on the neurobiology of emotions*. In: Post, S. G., Underwood, L. G., Schloss, J. P., Hurlbut, W. B. (Eds.), *Altruism and Altruistic Love: Science, Philosophy, and Religion in Dialogue*. Oxford, New York, 264-271.

Damasio, Hanna, (2002b). *Impairment of interpersonal social behavior caused by acquired brain damage*. In: Post, S. G., Underwood, L. G., Schloss, J. P., Hurlbut, W. B. (Eds.), *Altruism and Altruistic Love: Science, Philosophy, and Religion in Dialogue*. Oxford, New York, 272-283.

Davis, M. H., Mitchell, K. V., Hall, J. A., Lothert, J., Snapp, T., Meyer, M., (1999). Empathy, expectations, and situational preferences: personality influences on the decision to participate in volunteer helping behaviors. *Journal of Personality*, 67, 469–503.

Davis, M. H., & Franzoi, S. (1991). Stability and change in adolescent self-consciousness and empathy. *Journal of Research in Personality*, 25, 70-87.

Davis, M. H., (2005). *Becoming (and remaining) a community volunteer: does personality matter?* In: Omoto, A. M. (Ed.), *Processes of Community Change and Social Action*. Lawrence Erlbaum Associates, Mahwah, New Jersey, 67-82.

Einolf, C. J., (2008). Empathic concern and prosocial behaviors: A test of experimental results using survey data. *Social Science Research*, 37, 1267-1279.

Eisenberg, N. (1986). *Altruistic emotion, cognition and behavior*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Eisenberg, N., & Fabes, R. A. (Eds.). (1998). *Prosocial development & Damon, W. (Eds.). Handbook of child psychology: social and personality development* (Vol. 3, 701–778). NY: Wiley.

Graziano, W. G. (1994). The development of agreeableness as a dimension of personality. In C. F. Halverson, G. A. Kohnstamm, & R. P. Martin (Eds.), *The developing structure of temperament and personality from infancy to childhood* (pp. 339–354). Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Graziano, W. G., & Eisenberg, N. H. (1997). Agreeableness: a dimension of personality. In R. Hogan, J. Johnston, & S. Briggs (Eds.), *Handbook of personality psychology* (pp. 795–824). San Diego, CA: Academic Press.

Graziano, W. G., Habashi, M. M., Sheese, B. E., & Tobin, R. M. (2007). Agreeableness, empathy, and helping: a person x situation perspective. *J Pers Soc Psychol* 93(4):583–599.

Guo, W., Huynh, C.L., Bhatnagar, N., Sharma, G., & Manchanda, R. V. (2011). A structural equation modeling study of helping behaviour from the perspective of person-by-situation design and feelings. *Int Rev Public Nonprofit Mark*. DOI 10.1007/s12208-011-0073-x.

Kenrick, D. T., & Funder, D. C. (1988). Profiting from controversy: lessons from the person-situation debate. *American Psychologist*, 43, 23–34.

King, E. B., George, J. M., & Hebl, M. R. (2005). Linking personality to helping behaviors at work: An interactional perspective. *Journal of Personality*, 73(3), 585–607.

Knight, G. P., Johnson, L. G., Carlo, G., & Eisenberg, N. (1994). A multiplicative model of the dispositional antecedents of a prosocial behavior: predicting more of the people more of the time. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66, 178–183.

Laible, D. J., Carlo, G., & Raffaelli, M. (2000). The differential relations of parent and peer attachment to adolescent adjustment. *Journal of Youth and Adolescence*, 29, 45-59.

Langford, P. H. (2003). A one-minute measure of the Big Five? Evaluating and abridging Shafer's (1999a) Big Five markers. *Personality and Individual Differences*, 35, 1127-40.

Little (1983). Personal projects: a rationale and method of investigation. *Environment and Behavior*, 15, 273–309.

Little, B. R. (1983). *Personal projects: a rationale and method of investigation*. *Environment and Behavior*, 15, 273-309.

McAdams, D. P. (1994). Can personality change? Levels of stability and growth in personality across the life span. In T. F. Heatherton & J. L. Weinberger (Eds.), *Can personality change?* (pp. 299–313). Washington, DC: American Psychological Association.

McClelland, D. L. (1985b). How motives, skills, and values determine what people do. *American Psychologist*, 40, 812–825.

McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1999). A five-factor theory of personality. In L. A. Pervin & O. P. John (Eds.), *Handbook of personality: theory and research* (2nd ed.) (pp. 139–153). New York: Guilford Press.

Monroe, K. R., (1996). *The Heart of Altruism: Perceptions of a Common Humanity*. Princeton University Press, Princeton, New Jersey.

Murk, P. J., & Stephan, J. F. (1991). *Volunteers: How to get them, train them, and keep them*. *Economic Development Review*, 9, 73–75.

Nickell, G. S. (1998). *The Helping Attitude Scale*. Paper presented to the American Psychological Association, San Francisco.

Nock, S. L., Kingston, P. W., Holian, L. H., (2006). *The distribution of obligations*. Paper presented at the National Symposium on Family Issues, Pennsylvania State University, October 2006.

Okun, M. A. (1994). The relation between motives for organizational volunteering and frequency of volunteering by elders. *Journal of Applied Gerontology*, 13, 115–126.

Okun, M. A., Barr, A., & Herzog, A. R. (1998). Motivation to volunteer by older adults: a test of competing measurement models. *Psychology and Aging*, 13, 608–621.

Omoto, A. M., & Snyder, M. (1995). Sustained helping without obligation: motivation, longevity of service, and perceived attitude change among AIDS volunteers. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 671–686.

Penner, L. A., & Finkelstein, M. A. (1998). Dispositional and structural determinants of volunteerism. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 525–537.

Smith, T. W., (2003). *Altruism in Contemporary America: A Report from the National Altruism Study*. National Opinion Research Center, University of Chicago.

Smith, T. W., (2006). *Altruism and Empathy in America: Trends and Correlates*. National Opinion Research Center, University of Chicago.

Staub, E. (1978). *Positive social behavior and morality: I. Social and personal influences*. New York, NY: Academic Press.

Webb, D. J., Corliss, L. Green, C. L., & Brashear, T. G. (2000). Development and Validation of Scales to Measure Attitudes Influencing Monetary Donations to Charitable Organizations. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 28: 299-309.